

باید با تدبّر در قرآن متوجه الهی‌بودن آن شد

شماره پرسش: ۱۰۷۶۷

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۳/۹/۱۰ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام استاد عزیز: اولاً با تشکر از پاسختان در ثانی بنده جواب خود را دریافت نکردم و آن اینکه شما چگونه اثبات می‌کنید که حضرت محمد پیامبر خدا بوده اند؟ از کجا معلوم ایشان یک انسان خوب نبوده اند؟ آیا غیر از قرآن که بنده اصلاً متوجه اعجاز آن نمی‌شوم دلایلی بر این داریم که حضرت محمد پیامبر خدا بوده اند؟ آخر من که نه ایشان را دیده‌ام و نه کلام ایشان را شنیده‌ام چگونه به پیامبری ایشان ایمان بیاورم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در هر صورت یا باید با تدبّر در قرآن متوجه الهی‌بودن آن شد، و یا از این جهت که کسی تا حال در مقابل ادعای قرآن که می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ...» و اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ سوره‌ای نیاورده است، می‌پذیریم که قرآن معجزه است و یا به آن‌هایی که در قرآن تدبّر کرده‌اند و به الهی‌بودن آن یقین کرده‌اند باید اعتماد کرد. دکتر واگلیری می‌گوید: «کتاب آسمانی اسلام نمونه‌ای از اعجاز است... قرآن کتابی است که نمی‌توان از آن تقلید کرد... چطور ممکن است این کتاب اعجاز آمیز کار محمد باشد؟ در صورتی که او یک نفر عرب درس ناخوانده بوده است... ما در این کتاب مخزن‌ها و ذخایری از دانش می‌بینیم که مافوق استعداد و ظرفیت با هوش‌ترین اشخاص و بزرگترین فیلسوفان و قوی‌ترین رجال سیاست است.» (استاد دانشگاه ناپل، کتاب «پیشرفت سریع اسلام»، ترجمه‌ی سعیدی، ص ۴۹. خودم فکر می‌کنم اگر کمی وقت بگذارید و با قرآن مأنوس شوید، به الهی‌بودن آن اقرار می‌نمایید: قرآن در طول ۲۳ سال بر پیامبر خدا (ص) نازل شد، آن هم در شرایط اجتماعی و روحی متفاوتی که برای رسول خدا (ص) پیش می‌آمد، بدون آن که رسول خدا پیش‌نویسی داشته باشد و یا پس از نزول آن به حک و اصلاح آن پردازند با این همه هیچ‌گونه تناقض و اختلافی در میان مطالب آن نیست. هرگز کسی ندید که مثلاً پیامبر (ص) یادداشتی داشته باشند و مطابق آن یادداشت آیات را قرائت کنند و یا طوری آیات را بخوانند که بعداً معلوم شود یک کلمه را اشتباه گفته‌اند و بخواهند آن را تصحیح کنند، آن هم آیاتی که قبلاً هیچ‌کس چنین کلماتی در هیچ کتابی نگفته بود و بعداً هم کسی نیامد بگوید شبیه آن کلمات در کتاب‌های رومی‌ها و یا ایرانی‌ها می‌تواند باشد. قرآن طوری است که آیه‌ای مفسّر آیه‌ای دیگر و مجموعه‌ی آن شاهد بر مجموع آن است و در عین تنوع - حتی در

یک موضوع وحدت نگاه کاملاً در آن حاکم است. مثلاً در مورد عبادت و یا تقوا هزاران نکته‌ی متنوع دارد ولی همه با یک بینش و یک جهت و یک نگاه خود قرآن می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» آیا این منکران قرآن در قرآن تدبّر و تفکر نمی‌کنند تا متوجه شوند اگر از طرف غیر خداوند صادر شده بود، حتماً در آن اختلاف و تضاد می‌یافتند زیرا: اولاً: فکر انسان دستخوش تحول و تکامل است، و در آخر عمر عموماً اشتباهات اول را ندارد. ثانیاً: افکار انسان در طول زندگی تحت تأثیر حالات متفاوت روحی‌اش قرار دارد و سخنانش هماهنگ آن حالات، و گاهی متفاوت و بعضاً متضاد خواهد بود. ثالثاً: کسی که کارش بر دروغ باشد در طول عمر حتماً به تناقض و اختلاف می‌افتد، در حالی که هیچ‌کدام از موارد بالا در قرآن نیست و یگانگی و وحدت کاملی بر آن حاکم است. موفق باشید